

ژئوپولیتیک خلیج فارس و تأثیر آن بر حضور نظامی ابر قدرتها در منطقه

شجاع احمدوند

دانشگاه الزهرا

چکیده: پیشوند «ژئو» که به واژه «پولیتیک» اضافه شده است، پیشوندی تصادفی نیست بلکه سیاست را از تئوریهای خشک و بی روح نجات داده، آن را با خاک مرتبط می‌سازد. ژئوپولیتیک عوامل و شرایط جغرافیایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در شکل‌گیری سیاستها موثرند. این در حالی است که جغرافیای سیاسی نظر خود را عمدتاً به تصمیمات و فرآیندهای معطوف می‌دارد که الگوهای جغرافیایی را دستخوش تصور می‌کند. مقاله حاضر ژئوپولیتیک خلیج فارس و شرایط و ویژگیهای خاص این منطقه را که سبب حضور نظامی ابر قدرتها در طول تاریخ شده است، بررسی می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

پاسخی است به نوعی پرسش، برای تهیه چنین پاسخی ابتدا باید خود مسئله را شناخت. حال در باره موضوع مورد مطالعه باید گفت که هیچ دریایی به اندازه خلیج فارس مطمح نظر اقوام و ملل مختلف واقع نشده است. این دریای عظیم از يك سو توجه دانشمندان، باستان‌شناسان، زمین‌شناسان و جغرافیدانان و از سوی دیگر توجه کشور گشایان، جنگجویان و سیاستمداران را به خود معطوف داشته

پیش از بررسی موضوع مورد مطالعه، اشاره به برخی از موارد در مقدمه ضروری است. چه، مطالعه هر موضوع علمی نوعی سازماندهی را اجتناب ناپذیر می‌کند. از این رو ما سعی خواهیم کرد به طور بسیار خلاصه به بعضی از مسائل اشاره کنیم.

۱. طرح مسئله: از آنجا که هر پژوهش،

می‌کند. از این رو با علم به این کاستی، موضوع مذکور برگزیده و بررسی شد.

۳. هدف پژوهش: همان گونه که بیان شد، پرسش اصلی این است که علت توجه ابرقدرتها به خلیج فارس چیست؟ چرا این منطقه از جهان همواره مطمح نظر قدرتهای جهانی بوده است؟ خلیج فارس در طول تاریخ حتی پیش از میلاد نیز محل مناقشات، کشاکشها و درگیریهای قدرتهای عمده وقت بوده است. چالشهای ابر قدرتهای زمانه از پرتغال و هلند و فرانسه گرفته تا انگلستان و آلمان و روسیه و آمریکا برای سیطره بر خلیج فارس نمی‌تواند بدون علت باشد. از این رو هدف نوشته حاضر بررسی علل و عوامل این رقابتها و چالشهاست. به علاوه باید اضافه کرد که در جامعه ما بحثهای ژئوپولیتیکی عمدتاً به علت کمبود منابع هنوز جایگاه خود را باز نکرده‌اند و لذا به امید اینکه این مباحث فتح باب مطالعاتی در این رشته باشد و دانشجویان با شناخت اهمیت این گونه مباحث، جنبه‌های کاربردی آن را مورد توجه قرار دهند، این تحقیق انجام می‌پذیرد.

۴. شناسایی متغیرهای دخیل در موضوع: شناسایی متغیرهای دخیل در موضوع یکی از گامهای عمده و اساسی هر پژوهش علمی است. بر اساس این قاعده کلی لازم است به متغیرهای دخیل، اشاره ای کنیم. اگر چه این متغیرها در فصول مختلف تحقیق مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت، اما اشاره به این عوامل در مقدمه حاضر ضروری است. اولین متغیر، اهمیت استراتژیکی*، ارتباطی و تجاری

است. قدیمی‌ترین تمدنهای بشر در سواحل این دریای بزرگ به وجود آمده و عظیمترین خطوط ارتباطی قرون وسطی - یعنی جاده ادویه - از ساحل آن می‌گذشته است. سخت‌ترین رقابتها و کشمکشها بر سر تصرف آن از قرن شانزدهم میلادی آغاز شده است. ابتدا پرتغالیها به میدان آمدند، پس از آن هلندیها و سپس انگلیسیها، فرانسویها و حتی آلمانیها بر سر تصاحب آن با یکدیگر رقابتهای سختی داشته‌اند. بعد از آن پطر کبیر تزار مشهور روسیه هم آرزوی تسلط بر خلیج فارس را در دل جای داد. ناپلئون نیز سعی بسیار کرد که نفوذ فرانسه را در خلیج فارس تحقق بخشد. حال با توجه به مطالب بالا سؤال اصلی این است که علت رقابتهای شدید ابرقدرتها برای حضور در خلیج فارس و تسلط بر آن چیست و اصولاً چرا این منطقه از جهان تا این حد مطمح نظر قدرتهای جهانی بوده و هست؟

۲. تکمیل آثار پیشین: هدف هر پژوهش

یا پر کردن خلاء و کاستی است و یا در جهت رفع عیب و نقص نوشته‌های دیگران می‌کوشد. بر این اساس نگارنده در جریان بررسی منابع و کتابنامه‌ها متوجه فقدان یک منبع مستقل در زمینه مورد مطالعه شد. به طوری که علی‌رغم وجود منابع فراوان در مورد خلیج فارس و بررسی ابعاد مختلف سیاسی، حقوقی، طبیعی و ... آن، بعد ژئوپولیتیکی منطقه به صورتی مجزا بررسی نشده است و اگر مطالبی نیز در این زمینه وجود دارد، به صورت پراکنده در لابه لای کتب و مقالات بوده که کار پژوهش را بسیار دشوار

* استراتژی عبارت از فن هدایت نبرد و تطبیق و هماهنگ ساختن رزمها جهت نیل به هدفهای جنگ یا اهداف سیاسی است. آندره بوفر در کتاب «مقدمه ای بر استراتژی» استراتژی را هنر کاربرد زور یا فشار برای رسیدن به هدفهای تعیین شده سیاسی یا هنر دیالکتیک نیروها در استفاده از زور برای حل منازعات تعریف می‌کند. از این رو منطقه ای که نیل به اهداف تعیین شده سیاسی را میسر ساخته یا آن را آسانتر سازد حایز اهمیت استراتژیکی است.

پنجم، ارتباط با سیاستهای جهانی است. همان طور که در بالا اشاره شد، خلیج فارس به دلایل ذکر شده همواره در مرکز سیاستهای جهانی قرار داشته است و هیچ گاه از ارزیابی قدرتهای بزرگ و ذی نفع به دورمانده است و لذا حوادث این منطقه عمدتاً بعد بین المللی پیدا کرده اند که حرکت ابر قدرتها به خلیج فارس را موجب شده اند. از آن جمله است پدیده انقلاب اسلامی ایران و جنگ عراق علیه ایران، اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی و بحران اشغال کویت.

۵- ارائه فرضیه: خلیج فارس به علت

موقعیت استراتژیکی خود و اینکه در جوار مرزهای شوروی سابق قرار دارد و فراتر از آن به علت وجود منابع سرشار نفت که حداقل تا هفتاد سال آینده قابلیت بهره برداری دارد، هیچ گاه به دور از ارزیابی ابرقدرتها نبوده است و حضور یکی از آنها تهدید بر ضد منافع حیاتی دیگری تلقی شده که احتمال جنگ را نیز منتفی نکرده است. این خلیج از نظر رابرت مک کول جزو مناطق حساس برای ابرقدرتها به شمار می رود. چه، بر اساس مدل ژئوپولیتیکی این جغرافییدان امریکایی، مناطق نفوذ ابرقدرتها به سه گروه مناطق جنگ، حساس و فرار تقسیم می شوند. خلیج فارس به دلیل اینکه یکی از سرزمینهایی است که برای آمریکا جنبه حیاتی داشته اما در دور دست قرار دارد، در شمار مناطق حساس قرار دارد. چرا که حفاظت مستقیم از منابع نفت و گاز و تأمین امنیت راههای دسترسی به آنها از اهداف مهم سیاست خارجی آمریکاست. در اینجا در پاسخ سوالی که ذیل عنوان «طرح مسئله» بیان کردیم، به عنوان فرضیه اصلی و مرکزی تحقیق می گویم: «اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس، به ویژه

خلیج فارس است. خلیج فارس به دلیل موقعیت ارتباطی و تدارکاتی خود و واقع شدن بر سر راههای عمده شرق و غرب و نیز به این دلیل که یکی از نقاط تلاقی سه تمدن بزرگ جهان یعنی تمدن عرب، ایران و خساور دور بوده است، مطمع نظر برخی قدرتها قرار گرفته است. متغیر دوم، وجود منابع عظیم ثروت در منطقه است. به نظر می رسد که یکی از دلایل کشمکش قدرتها، به ویژه دولت‌های منطقه ای، وجود منابع سرشار کانی در دل خاکهای خلیج فارس است. علاوه بر نفت که امروزه مهمترین منبع انرژی جهان است، منابع عظیم دیگری در کرانه های خلیج فارس و فلات قاره و جزایر آن وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از خاک سرخ، سنگ، سنگ شیشه، گوگرد، زرنیخ، سرب، مس، آهن، قلع، کلر، منگنز، زاج، جیوه و کرومیت که اکثر این معادن هنوز استخراج نشده اند. ماهی و مروارید و مرجان منابع ثروت دیگری در خلیج فارس است. متغیر سوم، ارتباط با آبراههای بزرگ بین المللی است. خلیج فارس به علت ارتباط با دریای عمان و اقیانوس هند حاوی یکی از عناصر عمده و اساسی ژئوپولیتیک، یعنی ارتباط با دریاها و آبهای بین المللی است و همین ویژگی را شاید بتوان یکی از علل عمده حرکت ابرقدرتها به سوی این منطقه از جهان دانست. متغیر چهارم وجود منابع عظیم هیدروکربن در منطقه است. در جهان امروز کمتر کالا یا محصولی را می توان یافت که نفت به صورت یک عنصر اساسی در تولید آن نقش اساسی نداشته باشد. با علم به این مسئله و نیاز روز افزون جهان به نفت و کالاهای نفتی، سلطه گران از اوایل قرن بیستم نظر خود را به سوی مناطق نفت خیز معطوف کردند و برای تسلط بر چاههای نفت منطقه از هیچ کوششی فروگذار نکردند. متغیر

از اهمیت ژئوپولیتیکای برخوردار است و درجه اهمیت آن با توجه به درجه اهمیت و تعداد این شاخصها متغیر است. دوم باید روشن شود که منظور ما از حضور نظامی، هر گونه اقدام نظامی و یا سیاسی به حمایت قدرت نظامی است. از احداث پایگاه و حضور ناوگان گرفته تا فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی برای مقاصد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سومین مفهومی که باید تعریف شود، مفهوم ابرقدرتهاست. منظور ما از ابرقدرتها در این تحقیق، دولتهای مقتدری است که در هر دوره تاریخی به عنوان قدرت برتر مطرح بوده اند و به هر علت و بهانه در خلیج فارس برای خود نقش قائل بوده اند و عمده نظر ما به پرتغال، هلند، چین، فرانسه، انگلستان، آلمان، روسیه و آمریکا است. از شاخصهای ابرقدرتها می توان به داشتن مناطق نفوذ، قدرت تولید سلاحهای پیشرفته و تجهیزات نظامی مدرن، تمایل به دسترسی به مواد خام و انرژی، تمایل به اعمال نفوذ بر آبراههای بین المللی و ... اشاره کرد.

۶- روشهای آزمون فرضیه: روش ما در آزمون فرضیه و بررسی این نکته که آیا شاخصهای مورد بحث در ژئوپولیتیک می توانند به عنوان عواملی برای حضور نظامی ابرقدرتها در منطقه مطرح شوند یا نه، صرفاً تحقیق کتابخانه ای است. منابعی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند از مونوگراف و کتابهای مختلف فارسی، عربی و انگلیسی، و سریالها، شامل نشریات ادواری نظیر مجله سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین-المللی وزارت خارجه، مجله سیاسی - اقتصادی، روزنامه های کثیرالانتشار، اسناد منتشر شده و یادداشتهای کلاس درس.

از جهات استراتژیکی و وجود منابع عظیم هیدروکربن، عامل اصلی حضور نظامی ابر قدرتها در خلیج فارس است.»

حال که فرضیه تحقیق مشخص شد، تعریف عملی مفاهیم انتزاعی موجود در فرضیه لازم است و نیز باید برخی از شاخصهای آنها را مشخص کنیم. اول باید منظور خود را از ژئوپولیتیک در این تحقیق روشن کنیم. ژئوپولیتیک به معنای سیاست جغرافیایی نخستین بار توسط یک محقق سوئدی به نام رودلف کیلن به کار برده شد. در سیاست جغرافیایی، یک منطقه را بر مبنای عوامل جغرافیایی به ویژه وضع طبیعی آن منطقه مطالعه و بررسی می کنند. به عبارت دیگر ژئوپولیتیک توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل گیری سیاستها موثرند معطوف می دارد. اما در جغرافیای سیاسی که غالباً با ژئوپولیتیک اشتباه می شود، هدف مطالعه جغرافیایی است و منظور بررسی جغرافیایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک منطقه جغرافیایی است. ولی در هر حال واضح است که با پیدایش وضعیتهای جدید، سیاستهای جدیدی نیز طرح ریزی می شود که به نوبه خود در چشم انداز جغرافیایی موثرند. بنابراین ملاحظه می شود که این دو مفهوم در ارتباط نزدیکی با یکدیگرند و حتی به زعم برخی پژوهشگران نظیر ژنرال کارل هاشوفر، ژئوپولیتیک خود شاخه ای از جغرافیای سیاسی است. به طوری که اظهار می دارد ژئوپولیتیک از جغرافیای سیاسی مشتق شده و رشد و تکامل یافته است. برخی از شاخصهای ژئوپولیتیک عبارتند از ارتباط با مراکز قدرت جهانی، دریاها و آبراههای بین المللی، سیاستهای جهانی، وضع دفاعی کشور، آب و هوا، وسعت سرزمین، جمعیت، انرژی و نحوه تولید آن، منابع طبیعی و صنعتی و ... منطقه ای که دارای هر کدام از این عناصر باشد، از

اصولی و تقویت بنیه نظامی- دفاعی و حرکت به سمت صنعتی شدن به نحوی که خود قادر به استفاده از منابع منطقه باشد و با تقویت قدرت دریایی خود، تضمینی برای امنیت این منطقه حساس از جهان محسوب شود.

۸- حدود و نقطه تمرکز پژوهش: یکی از

مواد عمده هر پژوهش درس گرفتن از حوادث تاریخی است. برای انجام يك تحقیق علمی گاه ممکن است لازم باشد قرن‌ها به عقب برگردیم. البته بررسی تمامی حوادث و ظرایف تاریخی از ابتدای تاریخ تاکنون غیر ممکن است. از این رو لازم است هر پژوهش علمی از نقطه ای آغاز شود و در نقطه ای پایان پذیرد. به عبارت دیگر محقق تمرکز خود را بر يك بخش معین مکانی، زمانی و ... معطوف سازد و در جریان تحقیق نیز از این محدوده خارج نشود. مقطع مورد نظر ما در این تحقیق از قرن چهاردهم- یعنی زمانی که اولین کشتیهای دولت استعماری پرتغال به منظور سیطره بر تجارت مشرق زمین به سوی خلیج فارس روانه شدند- تا زمان حاضر است. البته این بدان معنا نیست که تحقیق حاضر تمامی حوادث ریز و درشت شش قرن گذشته را مورد بررسی قرار دهد، بلکه منظور ما دستچین کردن حوادث و وقایعی است که بتوان آنها را بر شاخصهای ژئوپولیتیک منطبق ساخت.

۹- سازماندهی پژوهش: تحقیق حاضر

متشکل از پنج قسمت است. در قسمت اول، موقعیت استراتژیکی، ارتباطی و تجاری خلیج فارس را مورد مطالعه قرار می دهیم. در قسمت دوم منابع عظیم هیدروکربن منطقه به عنوان عامل عمده حضور نظامی ابر قدرتها در منطقه مورد بحث قرار خواهد گرفت. در قسمت سوم از ارتباط خلیج فارس با سیاستهای جهانی

۷- بیان پیامدهای اثبات یا رد

فرضیه: نحوه تلقی از ژئوپولیتیک عمدتاً متغیر است. برخی ژئوپولیتیک را در سطح محدود بررسی می کنند و گروهی آن را در سطحی کلان و عمیق مورد توجه قرار می دهند، گروه اول معتقدند که مقام عوامل ژئوپولیتیک در عصر اتم کاهش یافته است و این شاخصها کارآیی خود را از دست داده اند، در مقابل گروه دوم معتقدند که ارزش عوامل ژئوپولیتیک نه تنها کم نشده است، بلکه اعتبار بیشتری نیز پیدا کرده است. ما در این تحقیق نشان خواهیم داد که مقام این عوامل نه تنها کم نشده، بلکه بازدارندگانی اتمی نیز که به نظر بعضی از محققین مقام خود را مدیون پاره ای از فرضیات سیاست جغرافیایی است، نظریه افرادی را که عقیده دارند تکنولوژی نوین ارزش عوامل ژئوپولیتیک را سلب کرده و در مکان تشکیک قرار داده است، بی اعتبار می کند. چه، بر خلاف نظر این گروه باید گفت که تکنولوژی نوین اهمیت عوامل جغرافیایی را افزایش داده است. وابستگی روزافزون جوامع جهانی به یکدیگر در زمینه تجارت، ارتباطات، صنعت، فعالیتهای سیاسی و عملیات نظامی نشان دهنده این است که این عوامل قدرت نفوذ بیشتری پیدا کرده اند. فراتر از همه در این تحقیق انگیزه های اعلام شده از سوی ابرقدرتها برای حضور نظامی در منطقه نظیر تأمین منافع ملی، حمایت از دولتهای دوست و ... بی اعتبار می شود. چرا که ما نشان خواهیم داد که علت اصلی حضور قدرتها در منطقه عمدتاً ناشی از اهمیت خود منطقه است و به خاطر موقعیت و منابع سرشار آن چشم طماع ابرقدرتها به دنبال سیطره بر منطقه است. از این رو شایسته است با شناخت دقیق اهداف و سیاستهای ابرقدرتها در منطقه خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاستهای صحیح و

فرهنگی بین چین و کشورهای خاور میانه و اروپا نقشی اساسی ایفا کرد. ظهور اسلام این ارتباط را بیشتر کرد. اما ورود اروپاییان به راههای دریایی آسیایی و سلطه آنان بر بازرگانی خلیج فارس و اقیانوس هند و آبهای اطراف چین موجب تقلیل مناسبات چین با منطقه خلیج فارس شد و اروپاییان به تدریج بازرگانی خارجی دو منطقه چین و خلیج فارس را در اختیار گرفتند. به طور کلی اهمیت خلیج فارس را برای چینیان می توان به صورت ذیل ارزیابی کرد.^۱

۱- اهمیت استراتژیکی آن از طریق

ایجاد حوزه نفوذ در منطقه: از آنجا که خلیج فارس یکی از زمینه های رقابت و معاملات بین ابرقدرتهاست و ابرقدرت صاحب نفوذ در این منطقه دارای امتیاز معامله بر روی سایر مناطق استراتژیکی جهان است، چین نیز با آگاهی از این مسئله، دستیابی به پایگاههای فرهنگی- سیاسی را از نظر دور نداشته است.

۲- جذب سرمایه های خلیج فارس: چین

به علت اتخاذ سیاست درهای باز^۲، نیاز شدیدی به سرمایه گذاری خارجی داشته است که از عمده ترین طالبان این امر کشور های حوزه خلیج فارس بوده اند. وجه دیگر جذب سرمایه های منطقه به عهده گرفتن طرحهای گوناگون اقتصادی است به طوری که تعداد زیادی از کارگران چینی در منطقه مشغول به کار بوده- اند.

۳- بازار تجاری خلیج فارس: چین به دلیل

توسعه صادرات خود نیاز به بازارهای قوی مالی دارد که خلیج فارس به خوبی می تواند این نیاز را بر آورده

بحث می کنیم و به برخی از حوادث منطقه ای که بعد جهانی پیدا کرده و ابرقدرتها را به این سو سرازیر کرده است، اشاره می کنیم. حوادثی از قبیل انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی عراق بر ایران، اشغال نظامی افغانستان و بحران اشغال کویت. در قسمت چهارم، منابع سرشار ثروت منهای نفت را بررسی می کنیم. نهایتاً در قسمت پنجم ارتباط خلیج فارس را با آبراههای بزرگ بین المللی مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

الف - موقعیت ارتباطی، تجاری و

استراتژیکی خلیج فارس

خلیج فارس به سبب موقعیت ارتباطی و استراتژیکی خود و واقع شدن در سر راههای عمده شرق و غرب و به این دلیل که یکی از نقاط تلاقی تمدنهای بزرگ جهان بوده، از قدیم الایام مورد توجه قدرتهای وقت بوده است. در این قسمت ما اهمیت استراتژیکی و ارتباطی منطقه را برای قدرتهای وقت به طور خلاصه تجزیه و تحلیل می کنیم.

اهمیت خلیج فارس برای چینیان

مهمترین جنبه خلیج فارس برای چینیان، جهات تجاری و ارتباطی منطقه بوده است. به طوری که در زمان امپراتوران سلسله تانگ، حکمرانان ایران و چین در راه تضمین امنیت آن در حوزه نفوذ خویش بازرگانان را به مبادله کالا تشویق می کردند. در این دوره راه دریایی، رقیب جاده ابریشم شد و گسترش مناسبات اقتصادی و

۱- علی حزم، چین و خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۷، ص ص ۲۵۴-۲۴۷.

هرمز مراکز کلیه روابط تجاری آن قسمت دنیا به شمار می رفت و معتقد بود اگر پادشاه پرتغال این سه نقطه و به ویژه هرمز را در کنترل داشته باشد، می تواند خود را صاحب تمام دنیا بداند.^۴

هلند در خلیج فارس

هلندیها از اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ اطلاعاتی راجع به مشرق زمین به دست آوردند و وارد عرصه تجارت هند شرقی شدند. مخصوصا از زمانی که کمپانی هند شرقی تأسیس شد، قدم جدیدی در رقابت با پرتغالیها در امر تجارت ادویه شرق برداشتند. به طوری که در سالهای ۱۶۳۹ و ۱۶۴۰ خود را بر منطقه مسلط یافته بودند. البته عمده دلیل موفقیت هلند تأسیس يك نیروی دریایی قوی و مقتدر بود، چرا که بر طبق نشوری الفردماهان ژئوپولیتیسین آمریکایی: قدرتی می تواند سیادت و سروری جهان را بر عهده گیرد که دارای قدرت دریایی قوی و کارآمد باشد.^۵

تلاش فرانسه برای حضور در خلیج فارس

برای فرانسه نیز خلیج فارس از ابعاد تجاری و اقتصادی حایز اهمیت ویژه بوده است. فرانسه نیز مانند همه قدرتهای زمانه خود سودای استیلا و سیطره اقتصادی بر خلیج فارس را در سر می پرورانده است. اما به علت قدرت رقبای خود و کمبود جسارت و

بنابراین خلیج فارس از جهت استراتژیکی، ارتباطی و تجاری برای چینیان، حایز اهمیت فراوان بوده و هست و از این رو چین همواره خواهان کاهش هر نوع بحرانی در منطقه بوده است، چرا که شرایط صلح آمیز و مناسب می تواند چین را به اهدافش نزدیکتر سازد.

پرتغال و خلیج فارس

عمده علت حرکت استعمار پرتغال به سمت خلیج فارس نیز جهات ارتباطی و تجاری آن بوده است. به نحوی که می توان اهداف اصلی حضور پرتغال در منطقه را در موارد ذیل خلاصه کرد.^۲

- ۱- دسترسی مستقیم به منابع ادویه شرق.
 - ۲- خارج کردن تجارت ادویه از دست دلالان و تجار شرق.
 - ۳- ایجاد رابطه مجدد با مسیحیان شرق که بعد از گسترش امپراتوری عثمانی این رابطه قطع شده بود.
 - ۴- استفاده اقتصادی از بازرگانی مسقط و ثروت و جلال فراوان جزیره هرمز و منابع دریایی خلیج فارس نظیر مروارید.
- از جمله اهداف دیگر پرتغال می توان به تسویه حساب تاریخی با مسلمانان، تهدید جبهه پشتی امپراتوری عثمانی و اشاعه مسیحیت در مشرق زمین اشاره کرد. از نظر آلبوکرک سه نقطه مالاکا، عدن و

۳- داود باوند، مسائل سیاسی- اقتصادی خلیج فارس، جزوه درسی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بی تا، ص ص ۱۸-۱۷.

۴- شجاع احمدوند، اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس، رساله فوق لیسانس، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۰، ص ص ۹۸-۱۰۰.

۵- سرآرنولد ویلسون، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۶۲، ص ص ۱۸۸-۱۸۹.

جنگی آلمان به بصره و بوشهر رسید. آلمان سعی کرد امتیاز آبیاری دره کارون را نیز به دست آورد، اما با اعمال نفوذ بریتانیا ناکام ماند. البته دولت ایران طی قراردادی اجازه تأسیس يك بانك را به آلمان داده بود. پس از آن آلمانیها جدیتر وارد معرکه شدند. بدین معنی که شرکت ونکهاوس آلمان امتیاز استفاده از خاک سرخ حوالی جزیره ابوموسی را از سه نفر عرب خریداری کرد اما شیخ شارجه بر طبق عهد نامه انگلیس با شیوخ منطقه نیروی را جهت اخراج آلمانیها گسیل داشت. در سال ۱۹۸۴ روبرت ونکهاوس آلمانی با خرید صدف مروارید و صدور آن به هامبورگ مشغول تجارت شد. میزان تجارت آلمانیها در آغاز کار بسیار اندک بود اما تدریجا در بصره میدان آن افزایش یافت. کشتیهای بخاری مسافربری آلمان برای رقابت گاه کالاها را با کرایه ای کمتر از

کشتیهای انگلیسی به اروپا حمل می کردند.^۷

ویلهم دوم در سال ۱۸۸۹ به اسلامبول سفر کرد. هدف این سفر که به دنبال طرح پان ژرمنیسم بود، ایجاد شبکه راه آهن آلمان به خلیج فارس بود. چه، در صورت انجام این طرح، آلمان در طی جنگها می توانست به راحتی به مواد خام و بازار تجارت منطقه دست یابد. چرا که امپراتوری عثمانی دارای منابع ثروت عظیمی بود که تا آن موقع بهره برداری نشده بود. آلمان هدفش این بود که راه آهن برلن- بغداد را به هر طریق به نقطه ای در خلیج فارس که شاید یکی از علل مهم جنگ جهانی اول و کشاکشهای عظیم بین- المللی قبل از جنگ بود منتهی کند. با شروع جنگ

سرمایه و ... هرگز نتوانست به اهداف خود نایل گردد. ر. وادالا نایب کنسول سابق فرانسه در بوشهر در مورد علت ناکامی فرانسویها می گوید:

«فقط در نیمه سده نوزدهم بود که فرانسویان به کارهای نوی دست یازیدند که متأسفانه تمام آنها اعمال حزن انگیز و رقت باری بیش نبودند. زیرا به سبب فقدان بررسیهای مقدماتی، کم ظرفیتی نمایندگان، گاهی فقدان سرمایه، کمبود جسارت و کیاست سماجت بیهوده بی نتیجه بود»^۶

در هر حال اگر چه کشتیهای فرانسوی گه گاهی در منطقه ظاهر می شدند، اما تا زمان جنگ جهانی اول به عنوان يك قدرت بزرگ و مقتدر و استعمارگر مردم منطقه مطرح نبود.

حرکت آلمان به سمت خلیج فارس

با روی کار آمدن ویلهم دوم و کنار گذاشتن بیسمارک از صحنه سیاست آلمان، یکی از آرزوهای همیشگی ویلهم برای مستعمره گیری، دست یافتن به راهی بود که بتواند آلمان را به خلیج فارس وصل کند. هدف ویلهم این بود که امپراتوری خود را از بسفر تا خلیج فارس گسترش دهد و دامنه نفوذ روسیه و انگلستان را تنگتر کند. از این رو آلمان از سال ۱۸۹۸ نسبت به خلیج فارس علاقه مند شد. آلمان از سال ۱۸۸۴ محصول قند خود را ارزانتر از فرانسه وارد منطقه کرد که البته مورد استقبال قرار نگرفت. سال بعد يك کشتی بخاری آلمان و در همین سال يك کشتی

۶- ر. وادا لا، خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران: کتاب سحاب - دوم، ۱۳۶۴، ص ۴۷.

۷- سید مجید تفرشی، نقش آلمان در تحولات خلیج فارس در ابتدای قرن بیستم و جنگ جهانی اول، سمینار مسائل خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸، ص ص ۱۶۵ - ۱۶۰.

چرا که ضرورت دسترسی به هندوستان و رقابت با قدرتهای ذی نفوذ، ارتباط با خلیج فارس را اجتناب ناپذیر می کرد. ویلهلم به درستی اهمیت این ارتباط را دریافته بود و لذا از همان ابتدا مصمم به ایجاد این رابطه شد. چرا که او مصمم بود امپراتوری خود را از بسفر تا خلیج فارس گسترش دهد و دامنه نفوذ روسیه و انگلستان را محدود کند و حتی هدف استراتژی نظامی آلمان در جنگ اول جهانی نیز دسترسی به هندوستان بود که در این رهگذر استفاده از آبراه خلیج فارس اجتناب ناپذیر بود. به نحوی که راه آهن مورد نظر که آلمان را به بمبئی وصل می کرد، از ساحل شمالی خلیج فارس می گذشت.

اهداف انگلستان در خلیج فارس

پس از افول قدرت هلندیها در خلیج فارس، با توسعه و قدرت یافتن نیروی دریایی انگلستان، این دولت قریب یکصد و پنجاه سال سیادت و سیطره خود را در منطقه خلیج فارس و شرق سوئز مستولی گرداند. انگلستان همواره آرزومند بوده است تا سهمی از تجارت پرسود شرق و آسیا را به خود اختصاص دهد. در مجموع حضور و نفوذ انگلستان در منطقه را می توان به چهار دوره تقسیم کرد: اول، دوران فعالیتهای اولیه که هنوز انگلستان سیطره خود را مستحکم نکرده و در حال تحکیم پایه های خود بود. دوم، دوران رقابتهای استعماری. در این دوره کمپانی انگلستان از یک سو با پرتغال و هلند و از سوی دیگر با شرکتهای رقیب خود به رقابت مشغول بود. سوم، دوران گسترش دامنه نفوذ در این دوران انگلستان با استفاده از اهرمهای زیادی نظیر تکمیل قراردادهای اجباری به

جهانی اول آلمان بر آن بود که با یاری نیروهای ترک، به سواحل خلیج فارس که انگلستان راه آن را بسته بود، دست یابد.^۸ آلمان تلاشهای زیادی برای ضربه زدن به انگلستان کرد. از جمله عملیات فرتیس کلاین با هدف نظامی اشغال آبادان و هدف سیاسی جلب نظر علما و مراجع شیعه کربلا و نجف برای اعلان جنگ بر ضد انگلستان و استفاده از اختلاف مذهبی شیعه و سنی ایران و عثمانی به نفع ترکها. و یا ایجاد برخی اغتشاشات در جنوب و تحریک مردم ایران بر ضد روسیه و انگلستان. یا عملیات واسموس کنسول اسبق آلمان در بوشهر که وظایف دوگانه ای را عهده دار بود. اول، اختلال در ارسال نفت ایران به ناوگان بریتانیا. دوم، متوجه ساختن انگلیسیها به جنوب و در نتیجه تضعیف جبهه آنها در بین النهرین. شایان ذکر است که رمز توفیق آلمان در این امر تحریک احساسات محلی و حمایت مردمی بود.^۹ به طور کلی اهمیت خلیج فارس برای آلمانیها را می توان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱- اهمیت تجاری و اقتصادی: این جنبه از

فعالیت آلمانیها عمدتاً در سالهای اولیه حضور آنها انجام می شد. به ویژه با کشتی بخاری مسافربری آنها و توسعه این تجارت و سپس استفاده از مواد خام منطقه برای اهداف توسعه طلبانه.

۲- اهمیت استراتژیکی: پس از روی کار

آمدن ویلهلم دوم در سال ۱۸۹۸ او تمایل زیادی به گسترش مستعمرات و دستیابی به سرزمینهای دور دست، به ویژه مناطق استراتژیک پیدا کرد و همان طور که پیشتر گفته شد، یکی از آرزوهای همیشگی او یافتن راهی بود که آلمان را به خلیج فارس متصل کند.

۸- همان منبع، ص ۱۶۷ .

۹- همان منبع، ص ص ۱۷۱-۱۶۹ .

وجهه همت انگلستان قرار گرفت. بعدها با حفر کانال سوئز و با توجه به اهمیتی که ایران از نظر موقع سوق الجیشی بر سر راه هندوستان داشت، رقابت انگلستان و فرانسه در منطقه شدت یافت و از این زمان بود که خلیج فارس اهمیت استراتژیکی هم پیدا کرد. انگلستان برای وصول به این هدف و حفظ امنیت هندوستان از اهرمهای زیر استفاده کرد: ۱۱

الف- مبارزه با دزدی دریایی

ب- مبارزه با تجارت برده

ج- کنترل تجارت اسلحه

د- حفظ خطوط تلگرافی و تصاحب خطوط آبی

این اهرمها باعث گسترش دامنه نفوذ و سلطه انگلستان بر منطقه سواحل و جزایر آن شد. به خصوص از سال ۱۸۹۰ که از يك سو مسئله نفوذ آلمانها در خاور میانه و خلیج فارس و از سوی دیگر گسترش نفوذ روسها مطرح شد، انگلستان قراردادهای تحت الحمایگی با شیوخ منطقه منعقد ساخت و به طوری که حق مذاکره با غیر از انگلستان را از آنها سلب می کرد. ۱۲

۳- حفظ منابع نفتی: آگاهی از وجود ذخایر عظیم نفت در سواحل شمالی خلیج فارس و دستیابی به آن در دهه اول قرن بیستم بهانه مهمتری را برای حضور انگلیسیها در این آبراه فراهم آورد و هم آنها بودند که تا نیمه اول قرن بیستم (سال ۱۹۵۱) تولید نفت ایران را منحصررا در دست داشتند. اهمیت اقتصادی نفت به حدی است که نه تنها انگلیسیها، بلکه آمریکاییها که دهها هزار کیلومتر دورتر از منطقه اند و ژاپنیها و حتی چینیا را شدیداً به امور منطقه علاقه مند کرده است. اهمیت استراتژیکی و

شیوخ منطقه، اتخاذ استراتژی ایران زدایی از خلیج فارس و ... دامنه نفوذ و تسلط خود را تا حدود زیادی گسترش داد. چهارم، دوران سلطه کامل. در این دوران انگلستان فعال مایشاء بود و به میل خود تضمین اتکایی شیوخ منطقه را به عهده گرفته و نفت و ثروت منطقه را بدون هیچ گونه چالش جدی تصاحب کرده بود.

عمده اهداف انگلستان از حضور در منطقه در سه

محور زیر استوار است.

۱- حفظ تجارت و استمرار آن در منطقه:

تا اوایل قرن نوزدهم هدف اصلی انگلستان از حضور در منطقه، اهداف تجاری بود. خلیج فارس به عنوان حلقه مهم ارتباطی میان آسیا، اروپا و آفریقا مورد توجه قرار گرفت. چرا که حمل ادویه، ابریشم و کالاهای مورد نیاز اروپاییان از طریق خلیج فارس، هلال خضیب و دریای مدیترانه صورت می گرفت. با کشف دماغه امیدنیک^{۱۰} و تأسیس راههای دریایی جنوب آفریقا، پرتغالیها و هلندیها به منظور کنترل راههای تجاری وارد صحنه شدند و برای ایجاد پایگاههایی در خلیج فارس تلاش کردند. حضور انگلستان در صحنه نیز موجب بروز کشمکشهای متعدد دریایی و نظامی شد. دولت ایران به عنوان مهمترین قدرت منطقه برای بیرون راندن این نیروها از خلیج فارس و اعاده حاکمیت بر سواحل و جزایر آن ناگزیر از تحریک قدرتها بر ضد یکدیگر شد. با کمک انگلستان، پرتغالیها را بیرون راند و سپس هلندیها نیز به تدریج ناچار به ترك منطقه شدند.

۲- حفظ امنیت هندوستان: به دنبال تصمیم

فرانسه برای حمله به هندوستان، حفظ امنیت هندوستان

اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه و اقیانوس کبیر به عهده بگیرد.

۲- خود کشورهای منطقه این مسئولیت را به عهده بگیرند که در این رابطه نقش اساسی برای ایران قابل پیش بینی بود.^{۱۳}

۳- کشورهای منطقه با تضمین اتکایی آمریکا این مسئولیت را بر عهده گیرند.

۴- با توجه به رابطه نزدیک شوروی با کشورهای مصر، سوریه و عراق در این مقطع، شوروی خلاء مذکور را پر کند (این دیدگاه بیشتر برای ترساندن غربیها از خطر حضور نظامی شوروی بود).

در نهایت راه سوم برگزیده شد. این استراتژی از سوی نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۶۹ هنگام ویتنامیزه کردن جنگ ویتنام^{۱۴} مطرح شد. بنیان این سیاست با توجه به قدرتهای عمده منطقه خلیج فارس ریخته شده بود. سه قدرت عمده منطقه، ایران، عراق و عربستان بودند. چون عراق دارای گرایشهای سوسیالیستی بود، از ارزیابی آمریکا به دور ماند و قرعه فال به نام ایران که مقتدرترین قدرت منطقه از نظر وسعت، وضع ژئوپولیتیک، جمعیت، توان نظامی، پیشینه تاریخی و سایر عوامل مادی و معنوی قدرت ملی بود، زده شد. از بعد اقتصادی نیز مسئولیت آن بر عهده عربستان سعودی قرار گرفت. بنابر این ایران به عنوان حافظ امنیت منطقه و عربستان در حکم دولت قائم مقام عمل کردند.

ایالات متحده به دلیل اهمیت فوق العاده

انرژی خلیج فارس از آن زمان تا کنون نه تنها کم نشده، بلکه روز به روز فزونی یافته است. به طوری که در زمان حاضر و علی رغم وجود نظام بازدارندگی در روابط دو ابرقدرت تا چندی پیش، خلیج فارس کماکان جهات استراتژیکی خود را حفظ کرد، و حتی امروز با افول کمونیسم و عقب نشینی شوروی از مقام ابر قدرتی، خلیج فارس همچنان برای این دولت و یا هر دولت جانشین دارای اهمیت استراتژیکی ویژه است. چرا که امروزه غالب موشکهای موجود در خاورمیانه نظیر العباس و الحسین عراق، کرم ابریشم عربستان و موشکهای اسرائیل قادرند مناطق جنوبی روسیه را هدف قرار دهند. نیازی به ذکر نیست که ایالات متحده آمریکا نیز به دلیل همین اهمیت استراتژیکی و نفت، پس از خروج انگلستان تضمین اتکایی امنیت منطقه را در پرتو سیاست دوستون نیکسون بر عهده دارد و تا ظهور پدیده جدید انقلاب اسلامی ایران، آمریکا حاکم بر سرنوشت منطقه بود.

آمریکا و استراتژی دوستون نیکسون

در خلیج فارس

انگلستان در سال ۱۹۶۸ رسماً اعلام کرد که تا سال ۱۹۷۱ قوای نظامی خود را از منطقه خارج می-کند. مهمترین سوال در آن مقطع این بود که چه کسی خلاء وجود انگلستان را پر خواهد کرد؟ این آلترناتیوها پیش بینی شد:

۱- همان گونه که انگلیسیها هم پیشنهاد کرده بودند، آمریکا مسئولیت امنیت اقیانوس هند را مانند

۱۳- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران:

مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۲۲۲.

۱۴- vietnamization اصطلاحی بود که در آن مقطع به کار برده می شد و مقصود از آن این بود که آمریکا جنگ ویتنام را به دست خود ویتنامیها سپرده و خود از صحنه مستقیم درگیری کناره گرفته است.

اما در مجموع اهداف شوروی در خلیج فارس را می توان به اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی تقسیم کرد. مهمترین اهداف سیاسی شوروی، نفوذ در کشورهای منطقه و شرکت فعال در حل و فصل مسائل منطقه ای، کاهش نفوذ غرب، حفظ پرستیژ ابرقدرتی (قبل از اضمحلال)، تأمین امنیت مرزهای جنوبی و حفظ توازن ضعف دولتهای منطقه ای بوده است. اگرچه اهداف سیاسی شوروی در منطقه مهمترین بعد نفوذ این کشور در منطقه است، مع ذلك ابعاد اقتصادی و استراتژیکی را نیز نمی توان از نظر دور داشت.^{۱۷} اهمیت تجاری خلیج فارس برای شوروی دو چهره دارد. از يك سو این منطقه بازار فروش کالاهای مصرفی، نظامی و ... و از سوی دیگر تأمین کننده مواد اولیه انرژی است.^{۱۸}

از نظر نظامی به دلیل اینکه منطقه خلیج فارس در جوار مرزهای شوروی است و حتی امروزه غالب تسلیحات موجود در منطقه قادرند مناطقی از روسیه را هدف قرار دهند، این دولت می کوشد با گسترش حضور نظامی به صورت ایجاد پایگاههای نظامی یا تحصیل حق به کارگیری بنادر و فرودگاهها تا حد ممکن دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود را ممکن سازد.^{۱۹} البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که با اضمحلال کمونیسم، روسیه تا مدتها درگیر مسائل داخلی است و کمتر فرصت نگرش به مسائل برون مرزی را داراست.

استراتژیکی و انرژی منطقه سیاست مذکور را طراحی کرد و به مرحله اجرا در آورد و از يك سو جریان صدور نفت را به قیمت دلخواه تضمین کرد و از سوی دیگر با ارسال انواع و اقسام تجهیزات نظامی و پایگاههای جاسوسی، تحرکات مربوط به شوروی را تحت کنترل در آورد. کبکان و بهشردو پایگاه آمریکا در شمال ایران بود که از طریق آنها کلیه آزمایشهای اتمی و فضایی شوروی اندازه گیری و مستقیماً به سفارت آمریکا ارسال می شد و از آنجا نیز از طریق ماهواره های مخابراتی و وسایل دیگر در دسترس آمریکا قرار می گرفت.^{۱۵} این وضعیت تا هنگام سرنگونی شاه و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران ادامه داشت.

سیاست خارجی شوروی در خلیج فارس

یکی از اهداف اصلی و سنتی روسیه دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس بوده است. به طوری که بعضی از صاحب نظران، کودتای کمونیستی و اشغال نظامی افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ توسط ارتش سرخ را در جهت این هدف سنتی روسیه ارزیابی کرده اند. اگرچه اتحاد شوروی اهداف دیگری نظیر جلوگیری از تسری انقلاب اسلامی ایران به افغانستان، گسترش و تحکیم محاصره چین، تهدید منافع حیاتی غرب به ویژه نفت در منطقه، فشار بر پاکستان، دستیابی به منابع گاز بلوچستان و ... را در این حرکت مد نظر داشته است، مع ذلك دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس را می توان یکی از مهمترین این اهداف به شمار آورد.^{۱۶}

۱۵- حسین شیخ الاسلام و دیگران، مقولاتی در سیاست خارجی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۴، ص ۹۶.

۱۶- احمدوند، همان منبع، ص ۱۶۸.

۱۷- همایون الهی، خلیج فارس و مسایل آن، تهران: شرکت آموزش فرهنگی و انتشاراتی اندیشه با همکاری نشر قومس، ۱۳۶۸، ص ص ۳۲۷-۳۱۸.

۱۸- همان منبع، ص ۳۲۸.

۱۹- همان منبع، ص ۳۲۹.

خواهان استفاده از مزایای بعد از جنگ بود و بهترین مزیت، استفاده از نفت منطقه بود که در نهایت تحت فشارهای شدید دیپلماسی، انگلستان و فرانسه مجبور به قبول خواسته های آمریکا شدند و آمریکا از طریق قرارداد معروف به خط قرمز ۲۲ که الگوی توسعه نفت در خاورمیانه پس از جنگ جهانی اول را تغییر می داد، به طور رسمی وارد فعالیتهای نفتی خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس شد. ۲۳

رقابت برای دستیابی به نفت پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، تأسیس کنسرسیوم نفتی مجدداً استعمار انگلیس بر نفت منطقه حاکم شد و این روند تا سال ۱۹۷۱ و خروج انگلستان از منطقه ادامه داشت. پس از آن آمریکا سرنوشت منطقه را در اختیار گرفت و صدور جریان نفت بدون هیچ گونه چالشی برای آمریکا انجام شد. اما ظهور انقلاب اسلامی در ایران مناسبات مذکور را مختل ساخت و دست آمریکا را از منابع نفتی و سرمایه های ایران قطع کرد.

به طور کلی ملاحظه می شود که از زمان فوران اولین چاههای نفت در منطقه، خلیج فارس به صحنه کارزار نفتخواران مبدل شده است. آمریکا ابتدا طی قرارداد معروف به خط قرمز پس از جنگ جهانی اول و سپس در نفت ایران پس از جنگ جهانی دوم قویاً

ب- منابع عظیم هیدروکربن، عامل تشدید حضور ابر قدرتها

در جهان امروز کمتر کالا و محصولی را می توان یافت که نفت به صورت يك عنصر اساسی در تولید آن، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم، نقش اساسی نداشته باشد. ۲۰ در حال حاضر از ابتدایی ترین نیازهای اولیه انسان تا عظیم ترین تأسیسات صنعتی، به نوعی به نفت وابسته اند. بر همین اساس سلطه گران از اوایل قرن بیستم نظر خود را به مناطق نفت خیز معطوف داشتند و از هر کوششی جهت تسلط بر این مناطق فرو گذار نکردند. نفت امروزه به مثابه يك کالای سیاسی قویا در صحنه بین المللی و حتی در مراودات دیپلماتیک مطرح است و بسیاری از معادلات سیاسی بر محور چگونگی دستیابی به این ماده حیاتی اقتصاد جهان رقم می خورد.

جنگ جهانی اول و مشارکت آمریکا در نفت منطقه

تا جنگ جهانی اول آمریکا در پرتو دکترین مونروئه ۲۱ در انزوا قرار داشت ولی این بار بر اساس سیاست درهای باز ارائه شده از سوی ویلسون در آوریل ۱۹۱۷ وارد جنگ شد. پس از پیروزی متفقین آمریکا که خود را در کسب پیروزی دخیل می دانست، طبیعتاً

۲۰- نفت در ادبیات و آثار ادبای ایرانی جایگاهی ویژه دارد به عنوان نمونه شعر زیر منسوب به عین القضاة همدانی شاعر قرن ششم هجری است.

ما مرگ و شهادت از خدا خواسته ایم و آن هم به سه چیز بی بها خواسته ایم
گر دوست چنان کند که ما خواسته ایم ما آتش و نفت و بوریا خواسته ایم

۲۱- Monroe Docterin

۲۲- The Famous Redline Agreement

۲۳- لئونارد ماسلی، نفت سیاست و کودتا، ترجمه محمدریفعی مهرآبادی، تهران: انتشارات خامه، ۱۳۶۵، صص ۱۰۳-۹۵.

۲۳- لئونارد ماسلی، نفت سیاست و کودتا، ترجمه محمدریفعی مهرآبادی، تهران: انتشارات خامه، ۱۳۶۵، صص ۱۰۳-۹۵.

عیار از سوی عراق بر دولت انقلابی و اسلامی ایران بود. در وهله اول این انقلاب بازتاب نسبتاً وسیعی در منطقه، خصوصاً در میان شیخ نشینهای حاشیه خلیج فارس و جمهوریهای مسلمان نشین شوروی بر جای گذاشت و بیم آن می رفت که این دولتها در مدار سیاسی - امنیتی ایران قرار گیرند و تهدیدی جدی برای منافع حیاتی غرب در منطقه به شمار آیند، و لذا تلاشهای زیادی برای خارج کردن این کشورها از مدار ایران و حتی نابودی خود نظام انقلابی به عمل آمد که مهمترین اقدام در این رابطه تحمیل جنگی هشت ساله بود. با شروع این جنگ موضعگیریهای منطقه ای، به ویژه از سوی کویت و عربستان و مجموع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تحت حمایت آمریکا علیه ایران آغاز شد.

بیش از ربع قرن است که خلیج فارس مهمترین اشتغال خاطر گردانندگان سیاست خارجی آمریکا بوده است. پس از سال ۱۹۷۱ و ورود آمریکا در پرتو دکترین نیکسون به منطقه، آمریکا قادر بود منافع خود را در قبال رقابیش تأمین کند. مهمترین این منافع حفظ جریان صدور نفت بود. کشورهای تولید کننده نفت منطقه - نیاز نفتی غرب را تأمین می کردند و لذا خلیج فارس، به ویژه از جهت نفت و مسائل استراتژیکی مورد علاقه ایالات متحده است. به بیان دیگر چهار فاکتور عمده، یعنی وجود منابع هیدروکربن، مناقشه اعراب و اسرائیل، نزدیکی به مرزهای شوروی و محل تولد ادیان بزرگ، خاور میانه و خلیج فارس را در امور جهانی حائز اهمیت کرده و آن را مبدل به صحنه رقابت شدید ابر قدرتها کرده است.^{۲۴}

ذی مدخل شد. انگلستان نیز که تا مقطع مورد بحث هنوز خواهان حفظ نقش استعماری خود در منطقه بود. گو اینکه تا حدی حضور آمریکا را در کنار خود عملاً به رسمیت شناخته است، هنوز قصد خالی کردن صحنه را ندارد. فراتر از آن روسیه نیز که همواره دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس را از اهداف اساسی خود تلقی کرده است، در این راه از هیچ گونه فعالیتی فروگذار نکرده است. رقابتهای سه قدرت مذکور برای دستیابی به نفت ایران پس از جنگ جهانی دوم در خور تأکید و توجه است و البته این بیش از هر چیز اهمیت انرژی منطقه را می رساند که وابستگی غرب، اروپا و ژاپن را به نفت منطقه هویدا می سازد.

ج- خلیج فارس و سیاستهای جهانی

اهمیت استراتژیکی، تجاری، ارتباطی و انرژی خلیج فارس، این منطقه را در مرکز سیاستهای جهانی قرار داده است. به طوری که هیچ گاه در روابط بین الملل از ارزیابی قدرتهای بزرگ و ذی نفع به دور نمانده است. به نحوی که حوادث این منطقه غالباً بعد بین المللی پیدا کرده و حرکت ابر قدرتها به سوی منطقه را موجب شده است. در این رابطه می توان به برخی از حوادث منطقه ای اشاره کرد که بازتابی جهانی داشته و باعث موضع گیری ابر قدرتها در صحنه جهانی شده است.

۱۰۱. انقلاب اسلامی ایران و جنگ عراق

علیه ایران

روند مهمی که در آخرین سال دهه هفتاد ناظران سیاسی را به خود مشغول داشت و معادلات منطقه ای و بین المللی را دستخوش تطور ساخت و سمتگیری ابر قدرتها به سوی خلیج فارس را وارد مرحله جدیدی کرد، انقلاب اسلامی ایران و متعاقب آن تحمیل جنگی تمام

۲. اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ

روند دیگری که در مقطع مورد بحث ناظران سیاسی را به خود مشغول داشت، کودتای کمونیستی و اشغال افغانستان بود. واحدهای نظامی شوروی با اهداف جلوگیری از تسری انقلاب اسلامی ایران، دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان و... همراه با اهداف اعلام شده از سوی دولت شوروی در آخرین روزهای ماه دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان یورش بردند و این کشور را به اشغال نظامی خود در آوردند.^{۲۷}

نفس اشغال افغانستان و حرکت به سمت جنوب، دریای عمان و اقیانوس هند موجبات نگرانی کشورهای منطقه خلیج فارس و حامی آنها آمریکا را فراهم آورد. به خصوص که این تهاجم از نظر غرب و دولتهای منطقه تهاجمی کمونیستی بود. و با پندارهای برخی دول منطقه، به ویژه عربستان که کمونیسم و صهیونیسم را دو روی یک سکه می پنداشت، مغایرت داشت. و لذا ملاحظه می شود که تهاجم مذکور به نوعی موجب رقابت دو ابرقدرت در سطح جهانی شد به نحوی که آمریکا به حمایت از نیروهای مخالف شوروی

از نظر استراتژیکی آمریکا می توانست با احداث پایگاههایی در منطقه،^{۲۵} تحقیقات و پیشرفتهای نظامی شوروی را زیر نظر بگیرد. با این علاقه طبیعی است که هرگونه تهدید بر ضد منطقه، تهدید بر ضد منافع حیاتی آمریکا تلقی شود. در همین رابطه است که جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا بعد از تهاجم نظامی شوروی به افغانستان در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۰ اعلام کرد که «قوای شوروی در افغانستان دست به یک تهدید زمینی علیه مناطق نفتی خاور میانه زده اند که ایالات متحده باید از هر وسیله لازم، حتی نیروی نظامی جهت عقب زدن هر تعرضی علیه خلیج فارس استفاده کند».^{۲۶} البته اینها اهدافی بود که از سوی خود آمریکا اعلام شده بود اما هدف اصلی حضور نظامی و تضمین جریان صدور نفت بود. بنابراین انقلاب اسلامی ایران و متعاقب آن جنگ عراق علیه ایران موجبات حضور نظامی ابرقدرتها، به ویژه آمریکا در منطقه را فراهم آورد. چه در طول همین جنگ هشت ساله بود که آمریکا به بهانه حمایت از کشتیهای کویتی وارد خلیج فارس شد و حضور خود را تا حدی گسترش داد که منجر به برخی زد و خوردهای مستقیم بین ایران و آمریکا شد.

۲۵- نظیر پایگاههای کبکان و بهشهر در ایران، پیش از انقلاب اسلامی که آمریکا از طریق این پایگاهها تحقیقات نظامی شوروی را زیر نظر داشت.

۲۶- رجوع کنید به :

الف- ژان پی یر در ینیک، خاور میانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۸، ص. ۴۴۷.

ب- Wayne E white, The Iran- Iraq war: A Challenge to the Arab Gulf states, ROUTLEDGE, 1988, pp.91-1

۲۷- اولیور روی، اتحاد شوروی، افغانستان و خلیج فارس، کنفرانس باز شناسی جنبه های تجاوز و دفاع، ج ۱، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۲۸۴.

در افغانستان اقدام کرد.

و تجاوز بغداد به کویت از جهت دیگری نیز اهمیت دارد. این دو واقعه شروع تقریبی و خاتمه حتمی دورانی موسوم به جنگ سرد را مشخص می کند. اگر مشخصه جنگ سرد، تند و تیز شدن اختلافات دو اردوگاه متضاد بود، بحران خلیج فارس نیز تعارضات ایدئولوژیک و معضلات ناشی از همجواری اعراب و اسرائیل را به صورت مشکلی بین المللی درآورد و آنها را به طرفین یک منازعه تبدیل کرد و به علاوه بر اهمیت سوق الجیشی خاور میانه در موازنه قوای استراتژیک افزود.^{۲۹}

مسائلی نظیر انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی و اشغال افغانستان، بازتابهای مهمی را در سطح منطقه ای و بین المللی موجب شد. اگرچه این مسائل در حوزه خلیج فارس اتفاق افتاد اما به علت اهمیت خاص آن جنبه بین المللی پیدا کرد و به بازتابهای مهمی در روابط بین الملل منجر شد از جمله جنگ سرد دوم، تشکیل نیروهای واکنش سریع، تحریم مسابقات المپیک سکو و در بعد منطقه ای تشکیل شورای همکاری خلیج فارس.^{۲۸}

۳. بحران اشغال کویت

در بحران خلیج فارس یک کاسگی دو ابرقدرت تا حد زیادی آشکار شد و در واقع نغمه های پایان جنگ سرد کاملاً برخاست و این اهمیت منطقه را در سیاست های جهانی به اثبات می رساند. چه، نقطه عطف جنگ سرد و تبدیل آن به همگرایی جهانی را می توان در بحران خلیج فارس مشاهده کرد. شوروی سابق که همواره خلیج فارس را از نظر ژئوپولیتسیکی، استراتژیکی و انرژی مطمع نظر داشت در بحران مذکور پشت سر آمریکا قرار گرفت و روند همکاری جهانی را متفق القول به اثبات رساند.

از زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ هیچ اتفاق دیگری به اندازه تجاوز عراق به کویت و اشغال و انضمام این کشور باعث تلاطم و غلیان در سیاست و زندگی پرفراز و نشیب مردم خاورمیانه نشده است. مهمترین تفاوت میان این دو این است که حداقل تا زمان عقد قرارداد کمپ دیرید در ۱۹۷۹ کلیه کشورهای عرب در تخاصم با اسرائیل کم و بیش متفق القول بودند. از آن زمان به بعد اگر چه امت عرب در ستیز با اسرائیل پا برجا ماند اما شکافی عمیق میان حکومتهای به اصطلاح رادیکال و میانه رو عرب به وجود آمد. این شکاف که می رفت کم و بیش از طریق مصوبات جامعه عرب پر شود، با حمله عراق به کویت به حدی عمیق شد که صف بندی های حاکم بر روابط آنها را یکسبه زیر و رو کرد. به وجود آمدن اسرائیل

بر این اساس کاملاً منطقی است اگر بگوئیم بخش عمده ای از سیاستهای جهانی و رقابتهای، حضورها، تنش افزایشی و تنش زدایی ها، جنگها و همگرایی ها قویا با خلیج فارس گره خورده است. حوادثی که به آنها اشاره شد، همگی در عین منطقه ای بودن، سرشتی بین المللی

۲۸- برای مطالعه شورای همکاری خلیج فارس رجوع کنید به :

John Duke Anthony, the Gulf cooperation council: A New Framework for policy coordination, CROSS-CURRENT, in the Gulf, ROUTLEDGE Press, 1988, p.p.3860.

۲۹- هوشمند میر فخرانی، اشتباه محاسبه و ساده انگاری استراتژیک در بحران خلیج فارس، روزنامه کیهان، شماره، ۱۴۰۹۱.

به آنهاست. از مجموع هیدروکربورهای تولیدی جهان فقط حدود پنج درصد آن مواد اولیه صنایع پتروشیمی است. اما ارزش فراورده های ساخته شده از این پنج درصد حدود دو برابر ارزش محصولات نفتی است که از بقیه ۹۵ درصد هیدروکربورهای تولید شده به فروش می رسد. ۲۲ از این رو بسیار منطقی خواهد بود اگر از مصرف مواد نفتی به عنوان انرژی کاسته و از این ذخایر محدود در دنیا در پتروشیمی استفاده شود. با استفاده روزافزون فرآورده های پتروشیمی در دیگر بخشهای صنعت، اهمیت این صنعت روزافزون شده است و رشد صنایع پتروشیمی در تولید کالاهای مصرفی چون الیاف مصنوعی، پلاستیک و لاستیک مصنوعی در سالهای اخیر بی سابقه است. این صنایع به طور کلی در پیشرفت اقتصاد و توسعه فعالیت صنعتی و بالا بردن سطح تکنولوژی در جهان اثر مهمی داشته و دارد. به عنوان نمونه در بیشتر کشورهای پیشرفته در حدود دو درصد جمعیت به طور مستقیم در تولید فرآورده های پتروشیمی اشتغال دارند و نزدیک پنج برابر این عده در صنایع وابسته آن و حدود یک چهارم تولیدات ممالک مزبور مربوط به رشته پتروشیمی است. ۲۳

از این رو قرین مصلحت است که دول منطقه از طریق همکاریهای لازم، زمینه استخراج و بهره برداری از منابع عظیم مواد اولیه صنایع پتروشیمی را فراهم آورند و اجازه ندهند این منابع نظیر نفت منطقه دستخوش چپاول قدرتهای استعماری شود.

پیدا کرده اند و موجبات حضور عمدتاً نظامی ابرقدرتها را در منطقه فراهم آورده اند و همه اینها ناشی از اهمیت ژئوپولیتیکی منطقه، آن هم غالباً از نظر نفت و انرژی و اهمیت استراتژیکی و سوق الجیشی آن است.

د- خلیج فارس و منابع سرشار ثروت

شاید بتوان یکی از دلایل کشمکشهای موجود در منطقه را به ویژه از سوی دولتها و قدرتهای منطقه ای، وجود منابع سرشار ثروت در منطقه دانست. علاوه بر نفت که امروزه مهمترین منبع انرژی، نه تنها در منطقه، که در سطح تمام جهان است، معادن بالفعل و بالقوه دیگری نیز در سواحل و کرانه های زرخیز خلیج فارس و فلات قاره و جزایر آن وجود دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

صنایع پتروشیمی

امروزه صنعت پتروشیمی تأثیر فراوانی در پیشرفت اقتصاد و توسعه صنایع و سطح تکنولوژی ملل جهان دارد. به طوری که بخش مهمی از محصولات صنعتی جهان از صنایع پتروشیمی به دست می آید. ۲۰

وجود منابع غنی معدنی و غذایی در آبهای خلیج فارس و در کشورهای حاشیه آن، به خصوص وجود نفت در سالهای اخیر اهمیت ژئوپولیتیکی این منطقه را بیش از پیش هویدا ساخته است. ۲۱

یکی از مهمترین منابع موجود در منطقه، مواد اولیه صنایع پتروشیمی است. ارزش و اعتبار این مواد به حدی است که توسعه تکنولوژی تا حد زیادی وابسته

۳۰- عبدالرضا امیر ابراهیمی، خلیج فارس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا، ص ۱۴۱.

۳۱- الهی، همان منبع، ص ۱۶.

۳۲ و ۳۳- امیر ابراهیمی، همان منبع، ص ۱۴۲.

آبزیان خلیج فارس

آبزیان خلیج فارس و دریای عمان که شامل ماهیها، سختپوستان و نرمتنان می شود، از لحاظ زندگی و شرایط محیط دارای وضع خاصی اند که به کلی با وضع ماهیهای مناطق دیگر نظیر دریای خزر متفاوت است. اکثر ماهیها و آبزیان این منطقه در آب شور دریا زندگی کرده، در همان جا تخم‌ریزی و تولید مثل می کنند. در صورتی که اکثر ماهیهای دریای خزر در دریا زندگی می کنند ولی برای تخم‌ریزی اجباراً وارد آب شیرین رودخانه ها می شوند، زیرا آب شور تخم و اسپرم این ماهیها را از بین می برد و لذا خلیج فارس در این زمینه از اهمیت و مزیت مذکور نیز برخوردار است.^{۳۴}

ماهیهای خلیج فارس از لحاظ مواد ترکیبی خشک از ماهیهای اسکاندیناوی عالیتر و از لحاظ مواد روغنی از آنها پست ترند. از روغن جگر «سگ ماهی» که دارای مقادیر زیادی ویتامین A است می توان در مصارف طبی استفاده کرد.^{۳۵}

خوشبختانه علی رغم اینکه رژیم حقوقی دریاها و بزرگ شامل صید نیز می شود ولی این رژیم حقوقی با وضع حقوقی خلیج فارس قابل انطباق نیست. خلیج فارس از نظر صید، دریای بسته است که در حکم ملک مشاع ساحل نشینان است و لذا خوشبختانه دست بیگانگان از این ثروت منطقه قطع است.

قدرتهای بزرگ در بعضی مناطق به ثروتهای غیر نفتی منطقه، به خصوص پیش از کشف نفت در اوایل قرن بیستم چشم دوخته و استفاده هایی نیز از آن

کرده اند. به عنوان مثال در سالهای ۱۹۸۰ به بعد شرکت آلمانی ونکهاوس امتیاز استفاده از خاک سرخ حوالی جزیره ابوموسی را خریداری کرد که شیخ شارجه در جهت منافع انگلیسیها مانع عملی شدن امتیاز مذکور شد. در سال ۱۹۸۴ روبرت ونکهاوس آلمانی با خرید صدف مروارید و صدور آن به هامبورگ سهمی از تجارت منطقه را در اختیار گرفت.

در مجموع منابع غیر نفتی جزایر، بنادر و فلات قاره خلیج فارس عبارت است از خاک سرخ، نمک، سنگ شیشه، گوگرد، زرنیخ، سرب، مس، آهن، قلع، کربن، منگنز، زاج جیوه و کرومیت که اکثر این معادن استخراج نشده اند. ماهی و مروارید و مرجان منابع ثروت دیگری در خلیج فارس اند.^{۳۶}

به طور کلی از مجموع بررسیها چنین بر می آید که منابع غیر نفتی جز در برخی مقاطع مورد نظر قدرتها نبوده که البته عمدتاً ناشی از رژیم حقوقی خاص حاکم بر آبهای داخلی و ساحلی منطقه بوده است. چه بر طبق رژیم مذکور حق انحصاری منابع یاد شده بر عهده کشورهای ساحلی است و دول بیگانه آنچنان حقی برای ورود به منطقه نداشته اند.

هـ- خلیج فارس و آبراههای بزرگ بین المللی

خلیج فارس فرو رفتگی وسیعی از کره زمین در قاره آسیاست که در شمال غربی دریای عمان به وجود آمده است. وسعت این خلیج در دوران سوم زمین شناسی دو برابر وسعت فعلی بوده است ولی به علت ریزش و رسوبات رودخانه ای کوچک شده است. به

۳۴- همان منبع، ص ۱۴۵.

۳۵- همان منبع، ص ۱۵۱.

۳۶- همان منبع، ص ۱۵۳.

دلایل حضور قدرتها در منطقه ارزیابی کرد. کما اینکه در طول جنگ جهانی دوم این ارتباط نقش بسیار مهمی در پیروزی متفقین ایفا کرد. بدین معنی که قدرتهای متفق، عمده ترین کمکهای خود را به جبهه شرق و حمایت از شوروی در مقابل هجوم سنگین آلمان، از طریق خلیج فارس و به ویژه سواحل ایرانی آن انجام می دادند و لذا بار دیگر اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس برای قدرتهای ذی نفوذ هویدا می شود.

نتیجه گیری

اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس، به ویژه از جهات استراتژیکی، اقتصادی، ارتباطی و انرژی عمده ترین دلیل حضور ابرقدرتها در منطقه خلیج فارس بوده است. خلیج فارس به سبب موقعیت استراتژیکی خود و از این نظر که در جوار مرزهای شوروی سابق قرار دارد و به ویژه به علت وجود منابع سرشار نفت و انرژی که حداقل تا هفتاد سال آینده قابلیت بهره برداری دارد، همواره مطمع نظر قدرتهای بزرگ بوده است. به طوری که حضور یکی تهدید بر ضد منافع حیاتی دیگری تلقی شده و حتی احتمال جنگ را منتفی نمی کرده است.

در عصر جدید مناطقی نظیر خلیج فارس برای ابرقدرتها، به خصوص ایالات متحده از اهمیت شایانی

طوری که خلیج فارس به تنهایی و بدون دریاس عمان از دریاهاى كوچك به شمار می رود و وسعت آن از ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع فراتر نمی رود. حدود این آبراه از مصب اروندرود (محل به هم پیوستن دجله و فرات) تا شبه جزیره مسندام در عمان امتداد دارد و از طریق دریای عمان به اقیانوس هند مرتبط است.^{۳۷}

طول خلیج فارس از دهانه اروند رود تا سواحل عمان ۸۰۰ کیلومتر است و طول آن از بندر خرمشهر تا تنگه هرمز ۱۲۹۰ کیلومتر و عرض آن بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر متغیر است. عمق دریای عمان که دنباله خلیج فارس است و از تنگه هرمز به این نام نامیده می شود، گاهی از سه هزار متر بیشتر است. و چون وارد خلیج فارس شود عمق آن کم می گردد. عمق متوسط آن ۳۵ متر است که در تنگه هرمز به ۱۰۰ متر می رسد. در هر حال عمیقترین بخشهای آن در سواحل ایران قرار دارد. به طوری که کشتیهای بیش از ۵۰۰۰ تن نمی توانند به فاصله نزدیکتر از ۸ کیلومتری سواحل سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس وارد شوند.^{۳۹}

خلیج فارس به علت ارتباط با دریای عمان و اقیانوس هند حارای یکی از عناصر عمده و اساسی ژئوپولیتیکی یعنی ارتباط با دریاها و آبهای بین المللی است و همین ویژگی را شاید بتوان به عنوان یکی از

۳۷- الهی، همان منبع، ص ص ۱۲-۱۰.

۳۸- احمد اقتداری، خلیج فارس، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، دوم، ۲۵۳۶، ص ۳.

۳۹- رجوع کنید به:

الف- احمد عقلمند، تحلیلی بر اوضاع ژئوپولیتیک و استراتژیک خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸، ص ۳۹۲.

ب- الهی، همان منبع، ص ص ۱۵-۱۴.

ج- جعفر فتحی الهی. سوابق تاریخی و وجه تسمیه خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار خلیج فارس اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۲.

د- امیر ابراهیمی، همان منبع، ص ص ۱۳۰-۱۱۵.

منابع فارسی

الف: کتاب

- ۱- اسدی، بیژن. خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸
- ۲- _____ . کتابشناسی موضوعی خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸
- ۳- افتخاری، قاسم. جزوه مسائلی نظامی و استراتژیکی معاصر. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بی تا.
- ۴- الهی، همایون. اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱
- ۵- _____ . خلیج فارس و مسائل آن. تهران شرکت آموزش فرهنگی و انتشاراتی اندیشه با همکاری نشر قو مس. ۱۳۶۸
- ۶- امیر ابراهیمی، عبدالرضا. خلیج فارس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
- ۷- برژینسکی، زبگینو. سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه (۱۹۸۰-۱۹۷۶). ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر بصر، ۱۳۶۹.
- ۸- برگیسو، اندره. روا اولیویه . جنگ افغانستان (دمالت شوروی و نهضت مقاومت). ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- ۹- برونو. نفت و سیاست ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک و میانه. ترجمه سید ماشاءالله ربیع زاده، تهران: میر(گوتنبرگ)، ۱۳۶۴.
- ۱۰- درایول آلا سدیر، بلیک، جرالد اچ. جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر(مهاجرانی)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
- ۱۱- درینیک ژان، پی یر، خاورمیانه در قرن بیستم،

برخوردار است و هرگونه تهدید بر ضد آن ولو از جانب قدرتهای منطقه ای ، تهدید بر ضد شریان اقتصادی آنها تلقی می شود، به طوری که ضرورت مقابله با آن حتمی است. بارزترین نمونه این اهمیت، بحران اشغال کویت و لشکرکشی آمریکاست. با توجه به این مسئله همکاری دولتهای منطقه و تشکیل اتحادیه های قوی اقتصادی و نظامی برای دفاع از خلیج فارس ضروری است. به ویژه که همه کشورهای منطقه اسلامی اند و ضرورت تشکیل قطب جدید جهان اسلام بیش از هر زمان احساس می شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه یکی از نقطه ضعفهای ایران در برخورد با مسئله خلیج فارس در طول تاریخ فقدان يك نیروی دریایی قوی و مقتدر بوده است. به خصوص که مطابق تئوری «برتری قدرت دریایی»، آلفرد ماهان غالباً نیروی برتر در سطح جهان کسی است که از قدرت دریایی قوی برخوردار باشد. از این نظر شایسته است دولت ایران در جهت حفظ امنیت خلیج فارس و حفاظت از صدور آرام نفت مطابق نظر دولتهای نفت خیز منطقه و امتناع از چالشهای منطقه ای و بین المللی ضمن تحکیم روابط خود با دولتهای منطقه و حضور فعال در مجامع جهانی، به تهیه و تقویت ناوگان دریایی قوی و مقتدر اهتمام ورزد. باشد که کیاست و تیزهوشی مسئولان استراتژی کشور اسلامی ایران، آنان را در اتخاذ تصمیمات مقتضی در رابطه با تضمین امنیت منطقه رهنمون باشد، ان شاءالله.

۲۳- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹.

۲۴- —، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، جلد دوم، تهران: ناشر مولف، ۱۳۶۸.

۲۵- نقیب زاده احمد، نگاهی به تاریخ روابط بین الملل (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۲۶- والترز رابرت، دام سلاحهای هسته ای و راهی برای گریز از آن، ترجمه محمد رضا فتاحی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۳.

۲۷- ویلسون سرآرنولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

ب- سریالها

۱- سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸.

۲- سمینار خلیج فارس، مهر ۱۳۴۱، جلد اول، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ۱۳۴۲.

۳- سمینار خلیج فارس، مهر ۱۳۴۱، جلد دوم، تهران: اداره کل انتشارات و رادیو، ۱۳۴۲.

۴- کنفرانس بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع: تبیین نظری جنگ و دفاع، مرداد ۱۳۶۷، جلد اول، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸.

۵- کنفرانس بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع: ابعاد سیاسی و مسائل حقوق بین الملل، مرداد ۱۳۶۷، جلد دوم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸.

۶- مجله، سیاست خارجی، وزارت امور خارجه

ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: سازمان انتشارات جاویدان . ۱۳۶۸.

۱۲- رئیس طوسی، رضا، نفت و بحران انرژی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۳.

۱۳- رشديه، سعدالدین، سیاست جغرافیایی، ژئوپولیتیک، تهران: چاپ درخشان، ۱۳۵۰.

۱۴- روبین، باری، جنگ قدرتها در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران: آشتیانی، ۱۳۶۳.

۱۵- احمدوند، شجاع، اهمیت ژئوپولیتیک خلیج فارس، رساله فوق لیسانس، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۰.

۱۶- کامل، محمد ابراهیم، صلح موعود در توافقنامه های کمپ دیوید، ترجمه محمد رخشنده، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.

۱۷- ماسلی، ویلیام لئونارد . نفت ، سیاست و کودتا در خاور میانه: از تأسیس کنسرسیوم نفتی ایران تا کودتای قذافی در لیبی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: رسام، ۱۳۶۵.

۱۸- —، نفت، سیاست و کودتا در خاور میانه: از امتیاز نامه دارس تا کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: رسام ۱۳۶۵.

۱۹- مصفا، نسرين و دیگران، تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۲۰- مقتدر غلامحسین، کلید خلیج فارس، تهران: چاپ محمد علی علمی، ۱۳۳۳.

۲۱- مکی، حسین، نفت و نطق مکی: جریان مذاکرات نفت در مجلس پانزدهم در باره قرارداد نفت ایران و انگلیس، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۷.

۲۲- موسوی قمی سید علی، خلیج فارس در گذر زمان، تهران: بنیاد نبوت ۱۳۶۶.

- ج.ا.ا. (شماره های مختلف)
 ۷- مجله سیاسی اقتصادی، (شماره های مختلف).
 ۸- مجله بیان، شماره ۸.
 ۹- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه امام
صادق، (شماره های مختلف)
 ۱۰- روزنامه کیهان (شماره های مختلف)

English References

A : Monographs

- 1) AMIRIE ABBAS, "the persian Gulf and Indian ocean in International politics"; Institute for International political and Economic studies, tehran, 1975.
- 2) Bruce R.kuniholm, the persian Gulf and united states policy (california: daremont, Regina Books, 1984)
- 3) Charles Belgrave, the pirate coast, Bell and sons,(london W.C.Z,1966).
- 4) E.long. David, the persian Gulf. an Introduction to its people politics and Economic", westview-press,u.states, 1978.
- 5) FAIRGRIEVE James, Geography and world powers, university of Iondon LTO, eighth edition, 1941.
- 6) Gordon murray, conflict in the persian Gulf, Facts on file press new york, 1981.
- 7) H. FiField Russell and pearcy G.Etzel, Geopolitics in principle and practice. the A thenaum press,u.states 1944.
- 8) Ismel ,tareq y. "Iran and Iraq Roots of conflict, New york: syracuse university prest, 1982.
- 9) shahram chubin, security in the persian Gulf ; Role of outside powers, 4,(london:It ss, 1982)
- 10) Sindelar,III H.Richard and peterson J.E., cross currents in the Gulf, Rout LFDGE, london and New-york,1988.

B: Serials

- 1) Bennett, thomas Jewel, the past and present connection of England with the persian Gulf. Journal of the Royal society of Arts, L(June 13,1902)
- 2) Berry,J.A, oil and soviet policy, in the middle East Jurnal,vol.26,No.2 (washington,D.C,1972)
- 3) Dennis Ress, the soviet union and the persian Gulf. political science Quarterly,vol.99.No.4, (winter 1484-1485)
- 4) International finacial statistics yearbook,1987.
- 5) Third world Quarterly,vol.9,No.4,(oct.1987)

